



سوره مبارکه یس

* اشاراتی کوتاه به مفاهیم سوره مبارکه یس (قلب قرآن):

- سوره مبارکه «یس» قلب قرآن است. این سوره، مستقیماً راجع به پیامبر است و در بین بقیه سوره‌ها که آن‌ها هم قلب قرآن هستند، درخشش خاصی دارد.

آیه (۶): اشاره دارد به اینکه بزرگ‌ترین مشکل انسان «غفلت» است و این سوره می‌خواهد غفلت را از انسان خارج کند.

آیه (۱۱): نکته مهم این سوره این است که انسان‌ها باید شرایطی را در خودشان به وجود بیاورند تا مستعد تعالیم انبیاء گردند. تا این شرایط را به وجود نیاورند، مستعد تعالیم انبیاء قرار نمی‌شوند.

آیه (۱۶): یکی از اتفاقاتی که در این سوره می‌افتد و می‌توان گفت با بقیه سوره‌ها تمایز دارد این است که مرسل‌ی که در این سوره وجود دارد دلالت دارد بر اینکه هر انسانی ممکن است مرسل باشد. البته بین مرسل‌ی که مستقیماً از طرف خدا آمده و مرسل‌ی که توسط مرسل تعیین شده است تمایز وجود دارد. مرسل رسول در این سوره، رسول حساب می‌شود، یعنی مراجع تقلید هم مرسل‌اند و نیز کسانی که با یک اذنی به قومی ارسال می‌شوند، جزو این دسته هستند. این آیه مربوط به انسان‌هایی است که بی‌پناه هستند.

* نکته: سوره‌هایی که اختصاص به پیامبر دارند، محبوب‌ا‌ئمه هستند زیرا آنان پیامبر را بسیار دوست داشتند و به همین علت مشاهده می‌کنیم در نمازهای مختلف مانند نماز امام رضا (علیه‌السلام) سوره مبارکه یس تلاوت می‌شود.

آیه (۱۷): مربوط به کسانی است که بسیار مبارز هستند و به چیزی هم کاری ندارند.

آیه (۲۴): خدا رحمت کند کسی را که بلد است حرف بزند. این بنده‌خدایی که در این آیات وصفش آمده است در یک‌جا ضمیر متکلم به کار برده و در یک‌جا ضمیر مخاطب. یک‌جا ضمیر غایب، و دوباره مخاطب می‌کند. می‌گوید: «من عبادت می‌کنم» سپس می‌گوید: «شما به سمت خدا رجوع می‌کنید» و باز می‌گوید: «آن‌ها لاینقضون هستند»، او الهه را غیب در نظر می‌گیرد. باید هر لفظی را سر جایش به کار برد.

آیه (۲۶): خدا رحمت کند کسی را که حتی در آن دنیا هم به فکر قومش است.

آیه (۲۷): وقتی آدمی این قدر می‌تواند مهربان باشد، مگر خدایش می‌تواند کمتر مهربان باشد؟!

آیه (۴۰): در آیات یک دور هستی چرخ زده شده است و همه‌جا را زیر و رو کرده است.

آیه (۴۱): حتی ما را در دریا هم برده است.

آیه (۴۲): یک کمی سواری هم داده است.

آیه (۴۴) می‌گوید: حال نوبت شماست. حالا که همه‌جا را دیدید و خورشید و ماه و نظم آفرینش را دیدید که حتی یک ثانیه‌اش هم جابه‌جا نمی‌شود، پس موحد شدید.

آیه (۴۷) تجلی توحید را نشان می‌دهد. آیا کافران هم موحد می‌شوند؟

آیه (۴۹) خداوند با بیان این آیات می‌خواهد بگوید: فکر نکنید توحیددانی کاری سخت است، خیلی از افراد هستند که در قولشان موحد

هستند ولی در عمل موحد نیستند. مثلاً اگر وضع جامعه‌شان خراب بود می‌گویند: «ما که کاری نمی‌توانیم کنیم» یعنی حس جهاد و تغییر

ندارند. کسانی توحید ذاتی دارند که نظم آیات طبیعی را می‌بینند و از این نظم جبر در ذهنشان قرار می‌گیرد. آن‌ها باید از دیدن این آیات

شمس و قمر، خودشان را می‌شناختند و رَجَلِ یَسعی می‌شدند و تغییردهنده زمین می‌شدند.

اللهم صل علی محمد و آل محمد و الحمد لله رب العالمین